

ارتباط بزرگداشت شب یلدا و جشن سده با اقتصاد و بقاء زندگی انسان کشاورز

فاطمه ابهر زنجانی / کارشناسی ارشد پژوهش هنر، دانشکده هنر، موسسه آموزش عالی فردوس، مشهد، ایران.*
fatemeh_abhari@yahoo.com

چکیده

جشن‌ها در تقویم ایران باستان از پر تکرارترین مراسم‌ها هستند که با مطالعه و تحلیل آن‌ها، می‌توان به فرهنگ و نوع نگاه مردمان این دوران نسبت به مسایل پی برد. یکی از مسائل مهم در مطالعه جشن‌های ایرانی، پژوهش در باب دلایل ماندگاری آن‌ها در طول زمان است و اینکه انسان به چه علت به برگزاری این رسم رغبت داشته و نسبت به آن پایبند بوده است. اقتصاد به عنوان یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های انسان باستان، مبحثی است که می‌تواند دلیلی بر بزرگداشت شب یلدا و جشن سده باشد. این پژوهش با هدف تحلیل تأثیر اقتصاد بر جشن‌های ایرانی به مطالعه دو جشن شب یلدا و سده می‌پردازد. سوال این پژوهش این است که امر اقتصاد و تلاش برای بقاء در زندگی انسان کشاورز، تا چه حد در بزرگداشت شب یلدا و جشن سده تأثیر داشته است؟ پژوهش حاضر از لحاظ ماهیت، کاربردی بوده و جمع‌آوری داده‌ها با روش گردآوری کتابخانه‌ای و تحلیل با روش کیفی و رویکرد واقع‌گرایانه صورت می‌پذیرد. این پژوهش نشان می‌دهد که خورشید و آتش نزد ایرانیان باستان مقامی والا داشته و مقدس بوده‌اند. خورشید جنبه حیات‌بخشی داشته و باعث باروری گیاهان و زمین شده و آتش نیز سرما و تاریکی را که از اعمال اهریمن هستند، از بین می‌برد. هم خورشید و هم آتش با اعمال خود به کشاورزی رونق می‌بخشند و به بقاء زندگی انسان کشاورز مدد می‌رسانند. پس بزرگداشت هر دو جشن تأثیر مستقیم بر اقتصاد و بقاء زندگی انسان کشاورز دارد.

کلیدواژه‌ها: شب یلدا، سده، جشن، اقتصاد.

**The Connection between Celebrating the Yalda Night and
the Celebration of the Century with the Economy
and the Survival of the Farmer's Life**

Fatemeh Abhar Zanjani / Fatemeh Abhar Zanjani / Master of Art Research, Faculty of Arts, Ferdous Institute of Higher Education, Mashhad, Iran.*

fatemeh_abhari@yahoo.com

Abstract

Celebrations are one of the most common ceremonies in the history of ancient Iran. By studying it and analysing it, we can understand the culture and how to deal with the problems of the people of our time. One of the important issues in the study of Iranian holidays is the study of the reasons for their persistence over time and why people wanted to hold this custom and adhere to it. Economics, as one of the most important concerns of the ancient man, is a subject which may be a reason to honor the Yalda night and commemorate the century. The purpose of this research is to study the impact of economics on Iranian celebrations by studying the Yalda and Sedeh celebrations. The question of this research is to what extent the issue of the economy and trying to survive in the farmer's life had an effect of holding the Yalda night and the celebration of the century. The current research is applied by nature and data collection was done by the library method and analysis was done with the qualitative method and realistic approach. This research shows that the sun and fire were high-ranking among ancient Iranians and were sacred. The sun has the appearance of life and fertilizes plants and earth, and fire also destroys the cold and darkness which is the work of Satan. The sun and fire by their actions give prosperity to agriculture and help the survival of the farmer's life. As a result, holding both festivals has a direct impact on the economy and the livelihood of the farmer.

Keywords: Yalda night, century, celebration, economy.

مقدمه

یکی از راه‌های شناخت فرهنگ هر ملت، مطالعه آداب و رسوم و آیین‌های آن ملت است. جشن‌های ایرانی، آیین‌هایی به‌جا مانده از دوران ایران باستان هستند که برخی از آن‌ها در گذر زمان فراموش شده و برخی مانند نوروز، یلدا و چهارشنبه سوری تا به امروز به حیات خویش ادامه داده‌اند. در ایران باستان، به جشن و روزهای شادی توجه بسیار شده است و به عزاداری و مراسم مربوط به آن کم‌تر پرداخته شده است. بیش‌تر این جشن‌ها جنبه دینی داشته و با آداب و رسوم برگرفته از مذهب برگزار می‌شدند.

نکته حائز اهمیت در برگزاری جشن‌ها، دلایل ماندگاری آن‌ها در طول سالیان متمادی است و اینکه چه چیز انسان‌ها را به برگزاری این جشن‌ها ترغیب نموده است. بی‌شک هدف مهمی بشر دوران باستان را به سمت وسوی انجام این آیین‌ها سوق داده است. اقتصاد و تلاش برای بقاء و بهتر زیستن از نکاتی هستند که نه تنها بر شیوه تفکر که بر کلیت زندگی انسان تأثیر مستقیم دارند، زیرا اگر این مبحث در زندگی انسان شرایط متعادل و یا رو به رشدی داشته باشد، به همان میزان از مشغله‌های فکری و استرس کاسته شده و به نوعی فرد به آرامش و زندگی مطلوب نزدیک می‌شود.

از همین‌رو، اقتصاد یکی از مباحثی است که می‌توان به مطالعه تأثیر آن در آداب و رسوم پرداخت. پژوهش حاضر با هدف تحلیل تأثیر اقتصاد بر جشن‌های ایرانی به مطالعه دو جشن شب یلدا و سده می‌پردازد و در پی پاسخ‌گویی به این پرسش می‌باشد: امر اقتصاد و تلاش برای بقاء در زندگی انسان کشاورز، تا چه حد در بزرگداشت شب یلدا و جشن سده تأثیر داشته است؟ اهمیت و ضرورت انجام پژوهش از آن جهت است که مطالعه جشن‌های ایرانی با انواع رویکردها به شناخت جامع و کامل این آیین‌ها در تمامی جوانب کمک بسزایی می‌کند و در ادامه، این نگاه جدید اساس رسیدن به نتایجی بدون تکرار مکررات و تحلیلی صحیح است که راهگشای پژوهش‌های آینده خواهد بود.

روش پژوهش

پژوهش حاضر از لحاظ ماهیت، کاربردی بوده و جمع‌آوری داده‌ها با روش گردآوری کتابخانه‌ای و تحلیل با روش کیفی و رویکرد واقع‌گرایانه صورت می‌پذیرد.

پیشینه پژوهش

در بررسی منابع موجود، پژوهشی مبنی بر پیشینه مستقل برای این عنوان یافت نشد. تنها در چند مقاله به چگونگی پیدایش برخی جشن‌ها و مراسم مربوط به آن‌ها اشاره شده است. خاکرند و زردشت نیز در مقاله‌ای با عنوان «جشن‌های ایرانی در دوره اول عباسی (۱۳۲-۲۳۲ق)» به توجه و اهمیت جشن‌های ایرانی نزد عباسیان پرداخته‌اند.

جشن

«کلمه جشن در اوستا Yasna، پهلوی: Jashn یا Yashn و کلمه اوستایی Yasna سانسکریت Yasna و پهلوی Yazashn به معنی ستایش و پرستش است از مصدر YAZ اوستا Yaj سانسکریت و Yad پارسی باستان به معنی پرستیدن، ستودن. یشت و یسنا و ایزد، یزد نیز از همین ریشه است» (محمدی، ۱۳۸۰: ۵۶). «ابراهیم پور داود در جلد یکم کتاب یسنا نوشته‌اند: لغت جشن نیز در فارسی از لغت یسن اوستایی به یادگار مانده است، چون اصلاً تمام اعیاد دینی بود. مانند عید فروردگان و عید مهرگان و در این اوقات بخصوصه به ستایش و پرستش و مراسم دینی می‌پرداختند یا به عبارت دیگر یزشنه می‌کردند، از این جهت، روزهای متبرک را جشن خوانده‌اند» (همان: ۵۵). زرتشتیان نیز واژه جشن را به معنای عید می‌دانستند و هدف از برگزاری جشن‌ها نزدیکی افراد جامعه و انس و الفت و اتحاد آن‌ها بوده است (رضی، ۱۳۷۱: ۶۳).

واژه‌شناسی یلدا

«یلدا واژه‌ای آرامی در زبان فارسی است؛ به معنای «میلاد» و به خصوص در گویش‌های آرامی مسیحیان مشرق زمین به میلاد مسیح عليه السلام اشاره دارد. این واژه در گویش‌های آرامی، از جمله سریانی، مشترک است و احتمالاً از گویش‌های آرامی شرقی رایج در ایران یا بین‌النهرین به زبان فارسی راه یافته است» (جم، ۱۳۹۸).

«یلدا Yalda یک واژه سُریانی است به معنی تولد. رومی‌ها خود واژه ناتالیس (Natalis – Invictus) را به معنی تولد داشتند. مسیحیان سُریانی واژه یلدا را با خود به ایران آوردند و از آن زمان تاکنون در ایران ماندگار شده است» (رضی، ۱۳۹۱: ۷۷).

شب یلدا

یلدا یا شب چله جشنی است که پیشینه‌ای کهن و طولانی در ایران زمین دارد و مربوط می‌شود به ایزد مهر (رضی، ۱۳۹۱: ۷۳) که قدمتی بالغ بر هفت هزار سال دارد. این شب طولانی‌ترین شب سال بوده و در پی آن روزها به تدریج بلندتر می‌شوند. به فاصله زمانی میان غروب آفتاب سی‌ام آذر (آخرین روز پاییز) تا طلوع آفتاب یکم دی (نخستین روز زمستان) شب یلدا گفته می‌شود و شب زایش خورشید، تولد مهر یا خورشید شکست‌ناپذیر است (همان).

نیاکان ما که زندگی خویش را بر اساس کشاورزی و چوپانی می‌گذراندند، با تغییرات آب و هوا و فصل‌ها و همچنین گردش خورشید و بلندی و کوتاهی روزها آشنایی داشتند و با کسب تجربه توانستند فعالیت خود را بر اساس همین تغییرات و نیز جهت و حرکت ستارگان ترتیب بخشند. آنان دریافتند در برخی ایام روزها بلندتر هستند و می‌توانند از روشنایی روز بیش‌تر استفاده کنند و شب‌ها نیز کوتاه‌تر هستند. از آنجایی که انسان آریایی تاریکی، سرما و شب را از پدیده‌های اهریمنی می‌دانست و از آن گریزان بود، فرارسیدن شبی که در پی آن روزها بلندتر می‌شدند او را شادمان می‌ساخت. از طرفی، آن‌ها معتقد بودند خورشید و روشنایی و تاریکی و ظلمت پیوسته در حال نبرد و ستیز هستند که گاه خورشید پیروز میدان است و روزها بلندتر هستند و گاهی بر تاریکی شکست می‌خورد و روزها کوتاه‌تر می‌شوند. به درستی کوتاه‌ترین روز (سی‌ام آذر) و بلندترین شب سال (نخستین شب دی) را شناختند و شبی را که روز پس از آن خورشید بیشتر در آسمان حضور دارد جشن گرفته و آن را یلدا نامیدند؛ یعنی تولد و زایش خورشید شکست‌ناپذیر و آن را آغاز سال قرار دادند (رضی، ۱۳۹۱: ۷۴) یعنی انقلاب شتوی و آغاز زمستان (ن.ک: رضی، ۱۳۹۱: ۱۹-۲۲). «... شب یلدا و روز دیگان پیوند استواری با خورشید دارد، با مهر که از این روز بر تاریکی چیره می‌شود و رو به افزایش می‌رود. این روز خورشید است، روز مهر است و نزد ایرانیان، به ویژه مهرآیین‌ها بسی گرامی بود و بزرگ‌ترین جشن، یعنی جشن تولد مهر یا خورشید به شمار می‌رفت که آغاز سال محسوب می‌شد» (رضی، ۱۳۹۱: ۷۶).

همان‌طور که پیش‌تر نیز گفته شد، اقوام آریایی شب و تاریکی را از مظاهر اهریمن می‌دانستند و در مقابل روشنایی، روز و خورشید را از مظاهر ایزدی می‌شمردند. پس روشن

است که بلندترین شب سال در نظر آن‌ها نحس و بدیمن بود. آتش نیز به مانند خورشید به سبب روشنی و گرما که باعث نابودی اعمال اهریمن می‌شد، نزد آنان مقدس بود و در تاریکی جهت گریختن مظاهر شیطانی آتش می‌افروختند. در شب یلدا نیز جهت برطرف شدن این بدیمنی آتش افروخته و در سفره‌ای که می‌گسترانند، میوه‌های تازه فصل و میوه‌های خشک قرار می‌دادند. این سفره جنبه‌ای دینی داشت و مقدس بود. از ایزد خورشید برکت می‌خواستند تا زمستان را به خوبی سپری کنند. میوه‌ها نیز صورتی از برکت در بهار و تابستان بود (رضی، ۱۳۹۱: ۷۵). «خورشید را نمادی از نیروهای خداوندی می‌دانستند و محترم می‌شمردند و به رنگ‌هایی که تداعی کننده خورشید به خصوص در طلوع و غروب است، دلبستگی داشتند. از این رو میوه‌هایی مثل هندوانه، انار، خرمالو و مرکبات (به صرف رنگ‌شان) از میوه‌های اصلی بوده و در شب یلدا تناول می‌شده است» (احمدی، ۱۳۸۵). «گل انار و دل هندوانه سرخ است و سرخ رنگ شفق و رنگ بامداد پیش از برآمدن خورشید است» (همان).

خورشید و مهر و ارتباط آن‌ها با یلدا

مهر یا میترا ایزد خورشید است. این دو ابتدا دو ایزد مجزا بودند که به مرور به واسطه یکی شدن خویش کاریشان به یکدیگر پیوند می‌خورند؛ چراکه ایزد خورشید ایزد مهر را همراهی می‌کرده است. «در اساطیر و یا حتی ادبیات، مهر و خورشید به جای هم به کار می‌روند. دکتر یاحقی در این خصوص به روشنگری می‌پردازد: مهر یا میترا که در زبان اوستایی و در فارسی باستان میثره (Mithra) در سانسکریت میتره (Mitra) و در پهلوی میترا (Mitr) آمده به معنای مختلف عهد و پیمان و محبت و خورشید، هفتمین ماه سال و روز شانزدهم هر ماه شمسی آمده است. مهر فرشته عهد و میثاق و فروغ در ایران باستان بود که او را فرشته مهر و دوستی و عهد و پیمان و مظهر فروغ و روشنایی می‌پنداشته‌اند. در نظر آنان، مهر، واسطه‌ای بود بین فروغ پدید آمده و فروغ ازلی، به عبارت دیگر، واسطه بین آفریدگار و آفریدگان و چون مظهر نور بود، بعدها به معنی خورشید هم استعمال شد. مهر در ادبیات فارسی به ندرت به عنوان ایزد عهد و پیمان و به حد وفور و شیاع به معنی محبت و دوستی و خورشید و آفتاب که اتفاقاً با بنیادهای کهن آن هم بی ارتباط نیست، مطرح است» (نظری، ۱۳۹۴). خویش کاری مهر و خورشید مرتبط به امور طبیعی و به ویژه کشاورزی بوده است. خویش کاری یعنی بهترین وظیفه و عملکردی که ایزد انجام می‌دهد و نام اولیه‌ای که به او تعلق می‌گیرد خلاصه

خویش کاری آن ایزد است. خورشید در اوستا با صفت با شکوه و اروند اسب (دارای اسب تیزرو و چابک) تعبیر می‌شود. خورشید در نوشته‌های دینی چشم اورمزد تلقی می‌شود و به همراه ایزد ماه، دو شهریار آسمانی تلقی می‌شوند. همچنین در توصیف خورشید، در نوشته‌های دینی و اوستایی آمده است که خورشید مانند افسری پیرامون زمین در حال گردش است و از بالای کوه البرز به پیرامون تیرگ که یک کوه افسانه‌ای در ایرانویچ است بازمی‌گردد. در اساطیر روایت است که اگر زمانی خورشید دیرتر طلوع کند، فرصتی برای دیوها به وجود می‌آید که تمام آفرینش اورمزد را نابود کنند. «طبق اسطورهای، اهریمن بسیار تلاش کرد تا دوباره خورشید را بی حرکت کند، زیرا حرکت خورشید، گردش روز را به همراه داشت و با گذشتن روزها، پایان کار اهریمن و شکست نهایی او نزدیک می‌شد» (نظری، ۱۳۹۴). از میان تمام عناصر زیست‌شناسی، خورشید مهم‌ترین تجلی جهان شمول قداست محسوب می‌شود و در یشت‌ها که بخش‌هایی از اوستا هستند، از خورشید به عنوان شریکی برای فرمانروایی جهان یاد شده است. خورشید در کائنات مقام سروری دارد که موجب باروری گیاهان و زمین می‌شود. حیات‌بخشی خورشید معنوی و روحانی است. در بزرگداشت شب یلدا نیز که به نوعی تولد مهر محسوب می‌شود، خورشید منبع حیات است.

«تولد میترا در روز ۲۰ یا ۲۱ دسامبر است. در برخی از منابع آمده است که پس از مسیحی شدن رومیان، ۳۰۰ سال پس از تولد عیسی مسیح ﷺ، کلیسا جشن تولد مهر را به عنوان زادروز عیسی ﷺ پذیرفت، زیرا زمان دقیق تولد او معلوم نبود. وقتی میترائیسم از تمدن ایران باستان به سایر جهان منتقل شد در بسیاری از کشورهای اروپایی، در پی اشتباه محاسباتی این روز به ۲۵ دسامبر انتقال یافت و از سوی مسیحیان، به عنوان روز کریسمس جشن گرفته شد» (احمدی، ۱۳۸۵).

واژه‌شناسی سده

«سده واژه‌ای فارسی است. در پهلوی باید به شکلی از این اشکال: سَت (Sat)، سَتَگ (Satag)، سَدَک (Sadhag) و یا سَدُ (Sadh) بوده باشد ... در فارسی میانه و فارسی باستان و اوستا به هر حال واژه سَت به معنی سد، عدد سد می‌باشد، چنانکه در فارسی نیز سَدَه به معنی سد سال در برابر قرن به کار می‌رود» (رضی، ۱۳۹۱: ۹۹).

«مهرداد بهار ضمن ارائه بحثی زبانشناختی درباره واژه سده، این واژه را به معنای ظهور،

آشکாரایی و پیدایی می‌داند و بر آن است که این جشن چهل روز بعد از یلدا و جشن چهل‌م تولد خورشید است که دهم دی هم به منزله دهمین روز تولد آتش‌افروزی می‌شود. وی جشن سده را دارای بُنی زرتشتی نمی‌داند و با وجود قدیمی خواندن جشن سده بر آن است که این جشن از دوره اردشیر بابکان در اعداد اعیاد رسمی درآمده و در اعصار کهن زرتشتی رسمیتی نداشته است. وی این جشن را جشنی قدیمی از اعیاد بومی غیر آریایی می‌داند که بعدها وارد دین زرتشت شده است» (مشهدی نوش آبادی، ۱۳۹۸).

جشن سده

سده جشن کهن ایرانی است که در روز دهم بهمن و به هنگام شب برگزار می‌شود. روایات گوناگونی پیرامون پیدایش این جشن وجود دارد که رایج‌ترین آن روایت فردوسی در شاهنامه است که در ادامه به آن پرداخته خواهد شد. از شواهد چنین برمی‌آید که سده در تقدس آتش و به یادبود پدید آمدن آتش به وجود آمده است. «جشن سده را در دهمین روز از ماه بهمن برگزار می‌کردند به شب هنگام و در این وقت درست سد روز (آبان، آذر، دی و ده روز از بهمن) از زمستان بزرگ می‌گذشت. به عقیده ایرانیان در این هنگام است که سرما در زمستان به اوج خود می‌رسد. چون از این پس هوا رو به اعتدال می‌رود. ایرانیان برای مبارزه با این پدیده اهریمنی که به کشت و ورز و دام‌هایشان صدمه و زیان می‌رساند، در جشنی بزرگ، آتش را که جلوه‌گاه و رمز و کنایت از اورمزد است می‌افروزند تا نیروهای اهریمنی ضعیف و نابود شوند. ابوریحان بیرونی نیز در آثار الباقیه به این که سرما در این شب به شدت خود می‌رسد گوید: ایرانیان پس از آنکه کبس از ماه‌های ایشان برطرف شد، در این وقت منتظر بودند که سرما از ایشان برطرف شود و دوره آن به سر آید، زیرا ایشان آغاز زمستان را از پنج روز که از آبان ماه بگذرد می‌شمردند و آخر زمستان ده روز که از بهمن ماه می‌گذشت می‌شد» (رضی، ۱۳۹۱: ۱۰۰-۱۰۱). جشن سده به نوعی نیز جشن چله خورشید است؛ یعنی چهل روز از تولد خورشید در شب یلدا گذشته است. این عقاید برگرفته از آیین مهرپرستی در ایران است (محمدی، ۱۳۸۰: ۱۵۳).

چنانچه پیش‌تر نیز به آن اشاره شد، آفتاب و روشنایی و آتش نزد ایرانیان مقدس بوده و آتش در اوستا دارای مقامی والا است؛ چراکه نور سبب تجلی اهورامزدا است. نیاکان ما در هنگام ستایش پروردگار رو به خورشید می‌ایستادند و اگر شب هنگام یا در مکان سر بسته

مانند آتشکده نماز می‌گزارند، رو به آتش می‌ایستادند. اهمیت و تقدس آتش نیز از آن جهت بود که با افروختن آتش مظاهر اهریمنی گریخته و فرصت انجام کاری را نمی‌یافتند. در شاهنامه آمده است که آتش در زمان پادشاهی هوشنگ در یک واقعه پدید آمد. هوشنگ در کوه ماری سیاه با چشمان سرخ را می‌بیند. سنگی به سوی او پرتاب می‌کند. سنگ به سنگی دیگر برخورد کرده، جرقه در گرفته و آتش افروخته می‌شود. مار گریخته و هوشنگ و همراهان تا شب به جشن پرداخته و اجازه نمی‌دهند آتش هیچگاه خاموش شود. از آن هنگام، آن جشن را سده نام نهادند و هر سال به پاس حرمت آتش و یادگار آن برپایش می‌کنند و آن را پدیده و هدیه اورمزدی دانسته و قبله‌گاه خود قرار می‌دهند:

یکی روز شاه جهان سوی کوه / گذر کرد با چند کس هم‌گروه
پدید آمد از دور چیزی دراز / سیه رنگ و تیره تن و تیز تاز
دو چشم از بر سر چو دو چشمه خون / از دود دهانش جهان تیره گون
نگه کرد هوشنگ با هوش و هنگ / گرفتش یکی سنگ و شد تیز چنگ
به زور کیانی رهانید دست / جهان سوز مار از جهانبجوی جست
برآمد به سنگ گران سنگ خُرد / همان و همین سنگ بشکست گُرد
فروغی پدید آمد از هر دو سنگ / دل سنگ گشت از فروغ آذرنگ
نشد مار کشته ولیکن ز راز / ازین طبع سنگ آتش آمد فراز
جهاندار پیش جهان آفرین / نیایش همی کرد و خواند آفرین
که او را فروغی چنین هدیه داد / همین آتش آنگاه قبله نهاد
بگفتا فروغی است این ایزدی / پرستید باید اگر بخردی
شب آمد برافروخت آتش چو کوه / همان شاه در گرد او با گروه
یکی جشن کرد آن شب و باده خورد / سده نام آن جشن فرخنده کرد
ز هوشنگ ماند این سده یادگار / بسی باد چون او دگر شهریار
کز آباد کردن جهان شاد کرد / جهانی به نیکی ازو یاد کرد

(رضی، ۱۳۹۱: ۹۷-۹۸)

در این روایت، آتش مظهر دانش و خرد و مار نشانه جهل و شر و ظلمت اهریمنی است و هنگامی که آتش افروخته می‌شود، مظاهر اهریمن می‌گریزند. بیماری، جهل و زشتی و درد که از مظاهر اهریمنی هستند، در جایی رشد می‌کنند و قوت می‌یابند که دانش و خرد

و سلامت که از مظاهر اهورا مزدا هستند، نباشد. از همین‌رو، ایرانیان در دعاها و سرود آتش عبارت افروخته باد آتش را مرتب تکرار می‌کردند (رضی، ۱۳۷۱: ۵۵۹).

«اشارت فردوسی به این نکته که مار بر اثر پرتاب سنگ کشته نشده و می‌گریزد، بسیار پر معنی است، چون اهریمن برابر همه روایات داستانی و اساطیری، و قالب فکری ایرانیان، هنگام تباهی و نابودی مطلقش در پایان جهان است» (رضی، ۱۳۷۱: ۵۶۰).

از دیگر علت‌ها و روایات پیدایش جشن سده، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. هنگامی که تعداد فرزندان کیومرث به صد تن رسید و آن‌ها به حد رشد رسیدند، در شب این روز جشنی بر پا شد که آن را سده نام نهادند. برخی این روایت را به آدم ابوالبشر نسبت می‌دهند.

۲. هنگامی که از مشی و مشیانه صد فرزند متولد شد، جشنی برپا و آن را سده نامیدند.

۳. به یادبود پیروزی تهماسب بر افراسیاب.

۴. عده‌ای نیز اعتقاد دارند که از جشن سده تا نوروز پنجاه روز و پنجاه شب است (بیست روز از بهمن و سی روز از اسفند) که در مجموع صد شب و روز می‌شود و به همین علت جشن سده را برگزار می‌کردند.

۵. روایتی دیگر نیز وجود دارد که از این روز یعنی دهم بهمن تا هنگام جمع‌آوری غله در نواحی جنوبی ایران صد روز فاصله است.

۶. حکایت موجود دیگر درباره وزیر ضحاک است. گفته می‌شود ارماییل وزیر ضحاک باید هر روز دو نفر را می‌کشت و از مغز آن‌ها مارهای دوش ضحاک را غذا می‌داد. اما او هر روز یک نفر را نجات داده و به او کمک می‌کرد تا بگریزد. هنگامی که فریدون بر ضحاک پیروز شد، تعداد این نفرات به صد تن رسیده بود. ارماییل فریدون را از این مسئله آگاه کرد، اما او به گفته ارماییل اعتماد نکرد و چند تن را فرستاد تا از حقیقت مطلع شوند. آن صد نفر نجات یافته هنگام شب، در حضور فرستادگان فریدون هر کدام به تنهایی در کوهستان آتش افروختند. صد آتش به آسمان رفته و فرستادگان صحت صحبت ارماییل را به فریدون گزارش دادند. نجات یافتگان نیز این موقعیت را جشن گرفته و به سبب اینکه صد نفر بودند آن را جشن سده نامیدند (محمدی، ۱۳۸۰: ۱۴۷-۱۴۸).

«گویند چون صد روز از زمستان بزرگ سپری می‌شد، ایرانیان جشن سده را برپا می‌کردند، چون بر آن بودند که اوج و شدت سرما سپری شده و این پدیده نابسامانی و سکون که از

کردار اهریمن است، توان و نیرویش رو به زوال و کاستی است. پس همگان در دشت و صحرا آمده و تلی بزرگ از خار و خس و خاشاک و هیزم فراهم آورده و با فرا رسیدن تاریکی شب می‌افروختند و معتقد بودند که این جلوه‌گاه و فروغ اهورایی، بازمانده‌های سرما را نابود می‌سازد» (رضی، ۱۳۹۱: ۱۰۰).

تحلیل و بررسی

در نگاه اول، به نظر می‌رسد که ایرانیان باستان تنها به دور کردن اهریمن و بی‌اثر کردن اعمال او می‌اندیشند. این نظر می‌تواند صحیح باشد؛ چراکه آریاییان همواره در تلاش بودند که شرارت‌های شیطان را توسط مظاهر اهورامزدا زایل کرده و بداختری و بدیمنی رفتار او را نابود سازند. اما می‌توان گفت در پس این هدف، اهداف مهم‌تری گنجانده شده است. هم در بزرگداشت شب یلدا و هم گرمی‌داشت جشن سده، مسئله اصلی برکت است. بلندتر شدن تدریجی روزها و استفاده بیشتر از نور خورشید، ارتباط مستقیم با رونق کشاورزی دارد، زیرا فصول سرد سال رو به اتمام هستند و انسان کشاورز امید به برداشت محصول پر برکت در بهار و تابستان دارد که حتی این برکت را در شب یلدا از ایزد خورشید طلب می‌کند. این اعتقاد نیز از آنجا می‌آید که خورشید در کائنات مقام سروری دارد که موجب باروری گیاهان و زمین می‌شود. آتش نیز که مظهر زندگی و بالیدن است و تجلی وجودی خداوند است؛ هر چیز که در خود تباهی و تاریکی و بدی را داشته باشد دور می‌کند و به اهریمن اجازه فعالیت بیشتر را نمی‌دهد. از آنجایی که تاریکی و سرما نیز در نظر این مردمان از اعمال اهریمن هستند و هرگاه بر روشنایی و گرما چیره شوند رونق کشاورزی را کم می‌کنند، پس واضح است که معارض آن که از تجلیات یزدانی است و سبب نابودی عاملان شیطانی می‌شود نزد مردم تقدس یافته و به یادبود پیدایش آن جشن برپا می‌شود.

نتیجه

خورشید به علت داشتن جنبه حیات‌بخش و همچنین تأثیری که در خنثی کردن اعمال شیطان دارد، نزد ایرانیان باستان مقدس بوده و در اوستا بسیار از آن یاد شده است. آتش نیز به سبب اینکه تجلی‌گاه خداوند است، دارای مقامی والا است. در دو جشن یاد شده، خورشید و آتش هر دو منبع حیات هستند که با فعالیت آن‌ها، زندگی بشر استمرار می‌یابد. دوام زندگی

انسان کشاورز نیز مستقیم در ارتباط با آبادانی کشاورزی است که مسبب این رونق و برکت خورشید است. خورشیدی که فرصت فعالیت را برای از بین بردن آفرینش اورمزد از اهریمن می‌گیرد. آتش نیز که در اسطوره‌ها و روایات مانند خورشید و نور و روشنایی مظهر اهورامزدا است و همه آثار شرارت‌های شیطان را نابود می‌کند؛ یاریگر خورشید در حیات‌بخشی و رواج زندگی انسان است. پس می‌توان گفت بزرگداشت هردو جشن تاثیر مستقیم بر اقتصاد و بقاء زندگی انسان کشاورز دارد.

منابع

- احمدی، کیانمهر. (۱۳۸۵). «یلدا؛ جشن تولد خورشید». *آریانا گردشگر*. (۴). ۲۶-۲۹.
- جم، پدram. (۱۳۹۸). «یلدا». *جستارهای تاریخی*. ۱۰(۱). ۶۰-۷۶.
- رضی، هاشم. (۱۳۷۱). *گاهشماری و جشن‌های ایران باستان*. تهران: بهجت.
- رضی، هاشم. (۱۳۹۱). *جشن‌های آتش*. تهران: بهجت.
- محمدی، حسین. (۱۳۸۰). *جشن‌های ایران باستان*. تهران: جهاد دانشگاهی واحد تربیت معلم
- مشهدی نوش آبادی، محمد. (۱۳۹۸). «آیین هوربابا، بازمانده جشن‌های کهن هیرومبا و سده در میان ایرانیان مسلمان». *فرهنگ و ادبیات عامه*. ۷(۳۰). ۲-۲۵.
- نظری، معصومه. (۱۳۹۴). «بررسی جایگاه اساطیری خورشید و ارتباط آن با جمشید (در خسرو و شیرین نظامی)». *دهمین همایش بین‌المللی ترویج زبان و ادب فارسی دانشگاه محقق اردبیلی*.